
اداره مخطوطات
فیلمتک
سازمان کتابخانه ها،موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

مجرب

شراب ... نافعه در ربع ... دار

و ... [illegible]

و معده ... کزاب ... نافعه ...

و دو ... نافعه را اسهال ...

... مفقود ...

معجون ... اسهال ...

مجرب ... بحم ... بحم ...

بودر ... ربع ...

بارب به ... دور ...

... رسعال

...

[illegible]

۱۲۱

کنند همه دوبار دارچینی گل گاوزبان بانخواه باعرق گاوزبان
شش مثقال همه مجموع عرق [illegible] با قرع و انبیق تقطیر کنند
با نیچه و اکر مکرر باید اثرش زیاد [illegible] باین طریق که ادویه
را بوزن اول با معقطر اول دفعه دیگر تقطیر کنند و طریق خوردن معقطر
اول دوازده مثقال با دوازده مثقال قند جوهر و قدر شربت
معقطر ثانی شش مثقال قند جوهر کیلم صحیح البدن هر صبح
مدارا بر و کسیکه مبتلاء درمهانی وقت بر هند و اکر قد
واسهال موقوف والا دفعه دیگر بر هند و بعد از قطع اسهال
تا سه روز جای عوض اب میل و از غیر از
اب ازچیز دیگر پرهیز نزارد

فاید حفظ بقبت مرشد

حیث الفی [illegible]
اخراج لوی [illegible]
[illegible]

هذا کتاب تحفة المؤمنین من میرزا محمد مؤمن حکیم

بسم الله الرحمن الرحیم

سُبحانَکَ اللّهُمّ یا قدّوس و یا طبیب النفوس اَتمم لَنا اَنوار معرفتک و اَذِقنا حلاوة معرفتک شکر شیرینی حقوق حکیمی را جل شأنه که به بی نصیبان ذات عرصه امکان مائده وجودش رسیده و طلسمات نهانخانه بیستی را از رواج وجود جان در تن هستی دمیده مجردان بی تعلق درسرا ادقات پیشگاه طاق علوی از کیفیت لطف نهانی در خروش و بی سر و پایان محفل سفلی از کمیت مائده ظهور در جوش از حکمت محکمش آبای علوی را با امهات سفلی نهایت ارتباط و روح مقدس با جسم مدنس غایت اختلاط از دار الشفا جودش خاک کالبد معلول نشان گلزار بهار ایجاد و اجزای هر گل و خار و ترکیب هر برگ و بار از او صحت نژاد باغ سایه پرور را از سحاب فیض نمهای امید بار و دشت خاک نشین را از بهار لطفش گلهای رنگارنگ در جیب و کنار مدبران کشور ناسوت دهقانی روزگار از قلم نقش صاحب اقتدار خطه خاک و نایب مناب ابر کل که خاتم انبیاست و سرور رسل است از قرب سرمدیش صاحب لوای افتخار لولاک و امیر الامرا بارگاه کبریا که صاحب سریر لو کشف الغطاست از ارتباط ازلیش مسند نشین دستگاه وصایت و والیان ولایت ارض و سماکه ائمه هدایند از عزابدیش امین امانت و لایت شعر
رخش خطی کشیده در نکوئی که بردن بنشانها خوب روئی بعد بر ناظران حقایق درس

سال ۱۲۱۸ خورشیدی

مکشوف میدارد که چون والدین ذره بیمقدار میر محمد زمان تنکابنی دیلمی طاب الله ثراه با وجود حدس صایب و ذهن ثاقب مدتی در امر معالجات بدستور اجداد و استادان امجاد کوشیده و مجربات چندی از او مخلف گشته خواست که در رساله جمع و ترتیب داده آورده با آنچه این خادم خادمین نجیب محمد مؤمن حسینی طبیب مجرب یافته و از صاحبان تجربه اقتباس نموده مجموعه سازد بنا بر این لازم دانست که بقدر امکان در تشخیص آن ویه بار رعایت اختصار پردازد و باعث دیگر آنکه چون مؤلف اختیارات بدیعی بلغت فارسی نوشته و مساهله در تحقیق ادویه و بیان خواص نموده و عطاران بی بضاعت بآن اکتفا کرده کتب معتبر متروک گشته و از جهت اشتباهات او اکثر ادویه مؤثر مبدل بعدیم الخاصیة شده خواست که بقدر امکان آنچه محققین این فن تحقیق نموده اند هر چه صاحب اختیارات ذکر نکرده در رساله تحریر آورد لهذا کتاب لا یسع الطبیب جمله مشهور بجامع بغدادی برادر اکثر امور [illegible] اعتبار داشته و فی الواقع مؤلف آن جزاه الله تعالی خیرا نهایت بذل جهد نموده و هر چه از جامع ابن بیطار و غیره کتب نقل آن ضرور و باعث انتفاع بوده استخراج کرده و دقیقه نامرعی نگذاشته و هر چه از کتاب تذکرة اولی الالباب مشهور بجامع انطاکی که شیخ داود انطاکی بعد از جامع بغدادی تالیف نموده و در بعضی امور مزیتی داشته الحاق ان را واجب دیده و بدستور هر چه تلمیذ مؤلف مغنی و مؤلف شامل و مصنف کامل الادویه و جامع الادویه امین الدوله و غیرهم ایراد نموده و در جامع بغدادی بنظر نرسیده بیان آن را لازم دانست و هر چه از کتب معتبره مثل قانون و معالجات بقراطی و اختیارات ابن هبل و حاوی کبیر و صغیر و شفاء الاسقام و معالجات ایلاقی و کناش فاخر و ساهر و بختیشوع و منقذ السموم جالینوس و کامل الصناعه و مصنفات محمد بن ذکریا و سایر کتب منقولات اسحق و مصنفات حکماء هند مثل ترجمه باهر و کتاب چرک و مستجوک و بهوجل بود و فیروزشاهی و سیرت اقتباس آن لازم بود ملحق ساخت و بجهة اختصار اسامی قائلین هرا نزد [illegible] مجهول الماهیه را که در کتب مذکور شده بقید تحریر در نیاورده و در ذکر درجات کیفیات آنچه به تجربه و قیاس انسب دانسته بهمان اکتفا نمود مکرر در بعضی که اشاره بآن لازم بوده ذکر کرده در دریافت زیادتی این مجموعه بر اختیارات بدیعی و سایر کتب بر صاحبان انصاف و دانش [illegible] و استقرا پوشیده نخواهد بود و چون والد و جد این بی بضاعت منتسب بخادمی درگاه

...ن را این دوا بغایت نافع است پوست بخته
... تنقیه نا اب کلم ابو ... دار عماسین
... با سکاسنی و روغن گل سرخ کنند
تخمه سبب آن کثرت اکل و طعم
... سعم است علامتش وردن و سستی و بالد سرد و بیجا ک علطیدن
... قرار نداشتن و دهان باز کردن و سیلان رطوبات علاج کرسکل
دیوا زنجیر فرمودن و طعم از برنج و تنقیه بحبوبات و سیلان ~~رطوبات~~ دادن
و در روز سیم تخنک طعم کند و این دوا را در کوشت بچهره بدهند نخیل مصطکی
کوفته اد ... فلفل هریک جزو حرص ... ربع جزو با شکر حب بقدر فلفل ساخته استعمال
عامیش نجهت نفع رطوبات غلیظه و ریح را از مجربات دانسته اند و بقدر ...
از سعود تا هفت عدد است و سوناخی و او هم تنقیه طبخ مصطکی و زنجبیل ... استوده
و برودی نعناع تازه و پودنه و سداب کرسکه بوان ... با شیر بکار بجوا باشند در ...
نشیمن کشتند و با جماع رسیده است که ان انسان وطیور و وحوش سر صفت ...
عیشوند تا نان حکیم ... و سنافر و وحوش سیر و بلنک وا هو و از طیور ...
و شترمرغ و قطاط که بفارسی سنک اشلنک کویند دباح علامتش قرار ...
نفخ و قلة اکل است علاج طعم از نخ ... و حرکت کنند و حتی که ... کور ... باید
نافع است و حقنه بطبخ ... ... و کرفس و بنج و ... روغن تازه و حلقل کنند ... کو
و با شیر ... دهلیز ... و بستو ... سنک ... با شکر نخاب ... مسهلات نافعند
و شیاف سکر و ... و عسل و نمک ... مفیداست و شیاف ... مخصوص
... کرده اند و هرگاه حرارت ظاهر باشد بجای نمک و مسهلات و شیافات و
حقنها ... کنند و نجیغ و شاهین ... اسها لعوذن ... نوشادر با
شکر و روغن تازه دادن ... نافع است ... بقع فضلات ... با ...
نفع سوا ... باید دود علامات کرم که در ... بهم رسد ... داشتن
... داشتن دهان ... وعلامت کرم ... فضله و

وغلطیدن قلت اکلاست وعلامت کرم ...
شفتا لو ... با کوشتیه با اب چغندر و عسل ...
مقشر و اکبر ... و ترید ... را با ...
علامتش ظهور خون با فضله و فساد هضم ...
و قلة ... ان و کثرت ... علاج ... تخم ...
کودکان و روغن نا رجیل کنند خصوصا چون ... از کودکان سوختن اضا ...
و خروج و شقاقا ... حقنه بروغن ... و دهان ... و روغن حب ... کنند امراض جگر
علامت سل و ورم ان و تنکی نفس ... ناتما ... نخت استخوان سینه است
علاج با بطبیخ بیخ ... و طبیخ بیخ علیق که ... باید کرد ولک
مغسول ... کل سرخ بیخ کاسنی با لویه جوشانیده و اب ان بدهند و طعم ان ... خام
تخم مرغ و ... عدس با شکر و ... با طبیخ عدس کنند و ... استخوان
سینه ... با ... و مصطکی و سرکه ... نمایند و ... موضع
... نافعست قولنج علامتش ... و سینه ... ایست
علاج تنقیه با بطبیخ حلبه و شبت با عسل کنند و اب ... و اب ... و عرق
... که حلبه در ان جوشانیده باشند نافع است و حقنه ... کوره ...
تخم ... و ... و امثال ان بغایت مفیداست امراض مفاصل ... علامتش ظهور ...
مفصل و عدم ضبط ... و عدم قیامت علاج هرگاه حرارت ... باشد ...
... دهند و ... و کلاب و حضض و ... در ... و سرکه و ...
و زعفران ضماد نمایند و تنقیه با اب عناب و روغن بنفشه کنند و هرگاه ... باشد روغن
کودکان و نارجیل ... دهند و زعفران ... مفیداست و کوشت ... با ...
تلخ و شکر نافع است و ... سرکه جوشانیده ... کرده ... بندند و این را ...
شمرده اند و دادن ... با عسل بقدر ... مجرب الاثر است ورم ... کف ...
... امراض ... مواد ... حاره میباشد علاج پوست ... در سرکه
... ان ... کوفته و ... روغن کل سرخ اضافه نموده نیم کرم ضماد نمایند و ...

نافع است و هرگاه منفجر کرد د برهم کافوری معالجه

[illegible] و بیچیدگی است پس اگر با وجود آن لازم کرده

[illegible] لحوم لطیف باید و تقویت هاضمه با دویه کند در امراض

[illegible] باشد سیبات مواد فاسد است و بهبود بر امده

[illegible] و دیع شدن فصد بر نمایند از احتراق مواد و چون خواهد بود **علاج** مسهلات مذکوره

سعد و بعضی دادن صبر زرد را بسیار نافع دانسته اند از بکلملک تا دو دانگ و بروغن حب الغار

و کوکنار و فرفیون و بیرتا نمایند و خاکستر علیق و خاکستر سیاوشان تضمید نمایند و بطبیخ شلغم و برک کجد

مکرر شویند و هرگاه موی بریخته شده ریزد و اصلاح باقی نمایند تدهین بروغن مورد و روغن و سم و قدری

لادن کنند و چون سکوره بال جدا کرده در روغن کرده حل نموده نمایند عجیب الاثر است **قراع** یعنی موی پای

ریخته سر است **علاج** تعفیر ماء الشعیر و تطلیه ناب کرده روغن بنفشه و اسفنج و خاکستر

سیاوشان و دانه‌های سوخته کنند **جرب** دانه‌ها جمع موی سر است با وجود سبوسه و خارش **علاج**

با بخور و ابخند و حلبه و روغن بادام با عسل بالند و روغن تا نه با شکر طعم دهند **قمل** بپارسی

شپش گویند **علاامتش** دو رفتن جسم و پیوسته بودن داشتن یال و خارش و منقار نحلیه و حرکت

بسیار کردن است **علاج** بخور بطی طلا کنند و از ابتدا بس دارد که باشد و مشغول حمامات **مجرب** در

بنفشه و ریزد و زرنیخ طلا کرده و بطبیخ تخم حنظل و مویزج است و هیمکن و ابو خاع شوینده مجرب

قاطعه تصریح کرده است کتاب بغناع بجهة اقسام امراض را دهد سهلیات و طلا کردن زیبق مقتول برکو واب درخت

دافع قمل جمیع حیوانات و حقیر نیز مجرب یافته است اما طریق صید طوطی چون کنند آنکه دهان شیشه

با بعرق او تکیه کنند تا بخورد و دهان طوطی بیهوش کردند چون دبوق را با عسل و روغن با طبخ داده مانند

ریسمان نقاشین بدوی انجام نصب کنند طوطی بگیرند

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

فی لیلة الثلثاء شهر محرم الحرام

سنه ۱۱۹۳